

شهرام زین‌العابدینی، مدیر گروه سلامتی اجتماعی رادیو سلامت دراین باره توضیح می‌دهد: برنامه نفس دوم با هدف تغییر سبک زندگی و پیشگیری و درمان به‌واسطه حرکات ورزشی تولید و روانه آنتن می‌شود. این برنامه به مدت ۴۵ دقیقه به تهیه‌کنندگی محسن کریمی و گویندگی امین ضیایی پخش می‌شود.

ن، سازندگان و بازیگران سریال صبح آخرین روز

ریاری ساخت، نه ما



سریال صبح آخرین روز به روزهای پایانی پخش نزدیک می‌شود | عکس: مجید آزاد | جام جم

آنه تورو شد و به شهادت رسید، یاد خواهند کرد. در طول این سال‌ها چند مستند و کار کوتاه از زندگی این شهید تولید و روانه آنتن شده، و سیمای مرکز زنجان دست به‌کار شد و زندگی این شهید را دستمایه ساخت یک سریال تلویزیونی قرار داد و حاصل آن شد سریال صبح ولید شده و می‌توان گفت یکی از ویژگی‌های برجسته سریال این است که بالای ۸۰ درصد از بازیگران این سریال که با اقبال گسترده مردم ساسب را رانداشتند، در حال حاضر با آثار شبکه‌های سراسری رقابت می‌کنند و حتی در برخی مواقع پیشی هم گرفته‌اند. همچنین نقش داشناس این نقش را به عهده دارد. فیلمنامه این مجموعه را فاطمه حیدری و حسن عطاریا نوشته‌اند. روزهای پایانی پخش سریال صبح یرکل صدا و سیمای مرکز زنجان، مصطفی علمی فرد تهیه‌کننده، حسین تبریزی کارگردان، کاوه خداشناس بازیگر نقش شهید شهریار، با بشیم. صحبت‌های آنها را در ذیل مطالعه می‌کنید.

واقعیت پررنگ با سابه‌هایی از تخیل

❖ **چقدر از قصه براساس واقعیت است؟ و چند درصد آن به دلیل حفظ بار دراماتیک کار با تغییرات همراه بوده است؟**
لطیفی: درصد را دوستان می‌گویند. اما ما حساسیت به خرج می‌دادیم تا مثل برخی کارها نشود که مجبور به پاسخگویی شویم. سعی داشتیم مسائل فرهنگی و ... را در نظر بگیریم تا چیزی از زیر چشمان مان در نرود فردا مشکل ساز شود. چون فرهنگ مناطق برای خودشان ارزشمند است. به همین دلیل اصلاحیه‌هایی هم در این زمینه و هم به خاطر ریتم داشتیم. می‌گفتیم برای ما مهم نیست که ۲۰ یا ۳۰ قسمت باشد، مهم ریتم کار است که باید خوب دربیاید. نخواستیم آب در آن بینیم. می‌خواستیم دخور شهید و مخاطبان ارائه شود. در مورد سریال‌های دیگری که درباره مفاخر و مناطق کشور ساخته شده است، دیدیم اعتراض‌هایی مطرح می‌شود ولی ما برای این سریال یک مورد اعتراض هم در زنجان نداشتیم. من به مزاح می‌گفتم خانم بهجت قاسمی جزو گروه تولید شده و در این دو سال خانواده شهید، از زمان نگارش تا همین الان با هنر آقای علمی فرد با گروه همراه شده‌اند.

❖ **علمی فرد:** درباره تطابق کار با واقعیت این نکته را عرض کنم، داستان‌هایی که درباره شخصیت‌های اصلی مان روایت می‌کنیم، بدون استثنا واقعی هستند. حتی زمان اتفاقات را زیرنویس می‌کنیم. مثلا این‌که شهید شهریار چه زمانی خانه‌اش را عوض کرده و چه مشکلاتی برایش پیش آمده است را نشان دادیم. البته برای پر بار کردن فضای داستانی و بار دراماتیک از تخیل نویسنده استفاده کردیم. بخشی را در فضای امنیتی قصه اضافه و یک سری از شخصیت‌ها را جمعیم کردیم. مثلا شخصیت حاج مهدی قانع که در قصه ما حضور دارد برگرفته از پنج تا همکلاسی‌های شهید شهریار است که هرکدام در برهه‌ای کاری را انجام دادند.

❖ **در قسمتی از سریال آقای صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی را نشان دادید. تعامل تان با سازمان انرژی اتمی و دیگر ارگان‌ها برای به تصویر کشیدن بخش‌های امنیتی قصه و نزدیکی آن به واقعیت چگونه بود؟**

❖ **علمی فرد:** با سازمان انرژی اتمی ارتباط بسیار نزدیکی داشتیم. از آقای صالحی گرفته تا با چهار پنج نفر از دوستان زیرمجموعه، مصاحبه‌های مفصل داشتیم. قصه‌ها از دل این مصاحبه‌ها درآمده است. لحظه‌ای که آقای دکتر صالحی متوجه ترور شدند و حضورشان در بیمارستان را بر اساس توضیحات واقعی که ارائه شد، نشان دادیم. در حوزه امنیتی با راهنمایی دوستانی که در این عرصه هستند تمام تلاش مان را کردیم آن چیزی که ارائه می‌دهیم خلاف واقعیت نباشد. عین به‌عین ورود نکردیم. بالاخره پرونده ترور شهدای هسته‌ای ابعاد متفاوتی دارد. هنوز هم در جریان است. به همین دلیل ما هم بخش امنیتی را در قصه به جمع‌بندی نهایی نرساندیم. البته در قسمت‌های پایانی به صورت مفصل به بخش‌های امنیتی ورود شد.

همراهی خانواده شهید شهریار

❖ **آقای علمداری شما صرفا مدیر نیستید و در کنار مدیریت، تجربه نویسندگی و بازی هم دارید. زمانی که قرار شد سریال صبح آخرین روز ساخته شود، آیا خودتان پیشنهادهایی در کار دادید؟**
علمداری: از روزی که من طبق دستور آقای دارابی به معاونت امور استان‌ها آمدم، درصدد بودیم سریال‌های فاخر در استان‌ها ساخته شود. ما نمی‌توانیم مخاطب امروز را گول بزنیم، زیرا بیننده امروز مرتب کارهای متفاوت از دنیا را می‌بیند. به همین دلیل با قدرت سریال‌ها در معاونت استان‌ها ساخته می‌شود. در حال حاضر هم چهار سریال ساخته می‌شود که به‌زودی رونمایی خواهد شد. وقتی نویسندگان به من مراجعه می‌کنند به آنها تاکید می‌کنم ما یک فیلمنامه قوی و منسجم می‌خواهیم. جالب است روزی یک نویسنده به من گفت کار استانی است، پس با یک فیلمنامه متوسط هم کارتان راه می‌افتد، اما من نه تنها برخوردم، بلکه چنین نویسنده‌ای را به اتاق راه نمی‌دهم. چراکه ما به دنبال شاهکار هستیم. در ضمن من باید از خانواده شهید تشکر کنم که همراهی زیادی با ما داشتند. چراکه ما فیلمنامه‌هایی از شهدا داریم، اما خانواده اجازه ساخت آن را نمی‌دهند. اما برای ساخت پروژه سریال صبح آخرین روز ما همراهی بسیار خوب خانواده شهید شهریار را داشتیم، امیدوارم این سریال مسیری را برای چنین کارهایی باز کند.

وی ادامه می‌دهد: برنامه نفس دوم شامل آیتم‌های مختلف اعم از آیتم «لطفا چند لحظه» در خصوص روان شناسی ورزشی است. همه ما معتقدیم ورزش خوب است اما تحرک‌مان کم است. این آیتم انگیزه‌های لازم را برای ورزش کردن به شنوندگان ارائه می‌دهد تا از این طریق سلامت‌شان را حفظ کنند. آیتم «بازی در خانه» بازی‌هایی

خود شهید همراه ما بود

❖ **آقای خداشناس ایفای نقش شخصیت‌های معاصر؛ کار بازیگر را سخت می‌کند، حتی حرکت روی لبه پرتگاه است. به دلیل این‌که همه روی این موضوع تمرکز دارند. ضمن این‌که طبق صحبت بقیه از قرار شما خیلی تمایل نداشتید نقش شهید را بازی کنید. چطور با خودتان کنار آمدید و نقش شهید شهریار ی را بازی کردید؟**

❖ **خداشناس:** سعادت برای من بود که این نقش را بازی کردم. همچنین سعادت بود که در خدمت این گروه تولید بودم. با توجه به این‌که تا امروز نقش شهید یا فرزند شهید را زیاد بازی کرده‌ام، با این ذهنیت وارد دفتر شدم که نقش شهید را بازی نمی‌کنم. هر چه من دلیل می‌آوردم که بهتر است نقش شهید را من بازی نکنم و ایفاگر نقش دیگری باشم، آقای تبریزی کارگردان لبخندی می‌زد و می‌گفت تو باید نقش شهید شهریار را بازی کنی! به هر حال من حریف او نشدم و همه چیز دست به دست هم داد تا این نقش را بازی کنم. واقعا حس می‌کنم خود شهید هم به من کمک کرد تا این نقش را بازی کنم. چون هر صحنه‌ای کارگردان از من می‌خواست حسی داشته باشم به لحظه دیگر همان حس می‌شدم. مثلا اگر می‌گفت الان اشکت را می‌خواهم، گریه می‌کردم. راستش دیدن همه این موارد برای خودم هم عجیب بود.

❖ **قبل از ایفای نقش آشنایی نسبت به شخصیت شهید شهریار داشتید؟**
خداشناس: وقتی قرار می‌شود نقشی را بازی کنم، نسبت به آن جدی هستم.

سپهر با دیگر ماموران امنیتی تفاوت دارد

❖ **آقای عطایی در این سریال نقش مامور امنیتی سریال را با نام حمید سپهر دارید. نکته قابل تامل این است که بخش‌های امنیتی بعد از ترور شهید با زندگی خانوادگی شهید قبل از ترور درهم تنیده شده است. وقتی قرار شد این نقش را به عهده داشته باشید، بنا به چه دلیلی پذیرفتید؟**

❖ **عطایی:** قبل از پاسخ دادن به سوال شما باید به عوامل سریال خسته نباشید بگویم. خوشحالم مردم ارتباط بسیار خوبی با سریال برقرار کردند. دلایل زیادی برای پذیرفتن این نقش وجود داشت. یکی از دلایش هم روایت زندگینامه این شهید بزرگوار یعنی شهید مجید شهریار، فرصت خیلی خوبی بود که ما بازیگرها بتوانیم بیشتر به آن واقف شویم و توفیقی نصیب ما شد که در این مسیر کار کردیم. به همین دلیل برایم مهم نبود نقشم پررنگ یا کم‌رنگ باشد و فقط می‌خواستم حضور داشته باشم. بنابراین با جان و دل کار کردم. من به همراه آقای تبریزی پلان به پلان صحنه‌های سپهر را ساختم و جلو بردیم. ضمن این‌که فیلمنامه انسجام خاص خودش را داشت و از همه مهم‌تر این‌که قصه سریال حقیقتی است که اتفاق افتاده و این موضوع برای بازیگر مهم است که در داستانی حضور پیدا کند که تنها ساخته و پرداخته ذهن نویسنده و کارگردان یا اقتباسی از تاریخ معاصر است.

❖ **شما در سریال‌هایی همچون خانه امن، آسمان من، ترور خاموش و ... هم نقش مامور امنیتی را بازی کرده بودید. قبل از ایفای نقش سپهر به این شخصیت چطور نگاه کردید؟**
عطایی: بله، من در همه این کارها بودم ولی شخصیت هر یک از ماموران امنیتی در هر یک از آثار قبلی ام متفاوت با شخصیت حمید سپهر بود. من هم سعی کردم در صحبت با کارگردان، همانی باشد که از من می‌خواهند. طبیعی است که بازیگر برای خلق نقش با خیلانش نیز بهره ببرد. من هم با هدایت آقای تبریزی، کارگردان نقش را جلو بردم.

❖ **ما شاهد هستیم در صحنه‌هایی سپهر بسیار سخنگوترانه وارد میدان عمل می‌شود و از سوی دیگر او در صحنه‌های احساسی مثل روبه روشن شدن با مادر شهید بعد از ترور شهید شهریار ی هم قرار می‌گیرد. چطور را کورده بازی تان را حفظ کردید؟**

❖ **عطایی:** سخت‌ترین بخش برای یک بازیگر حفظ را کوردهای حسی است و این بخش در سریال سازی نقش بسیار مهمی دارد تا در یک اثر سینمایی یا تله فیلم، به دلیل این‌که سریال طولانی‌تر ساخته می‌شود و حفظ را کورد در زمان بیشتر سخت‌تر است، من سعی کردم به نقش رنگ متفاوتی بدهم و هماهنگ با دیگر صحنه‌ها باشد.

❖ **خودتان سریال را هر شب دیدید؟**

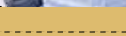
❖ **عطایی:** حتما، چون هم به کار علاقه مندم و هم باید خودم را برای آثار بعدی رتوش کنم.

را به شنوندگان آموزش می‌دهد که در ایام کرونا می‌توان در خانه انجام داد. همچنین آیتم «بازی‌های محلی» اختصاص به بازی‌هایی دارد که همراه با فعالیت‌های بدنی است. هر استان بازی‌های مختص به خود را دارد و ما این بازی‌ها را به شنوندگان معرفی می‌کنیم تا از این طریق فعالیت بدنی‌شان افزایش یابد.

به ویژه شخصیت‌های معاصر را. قبل از ایفای نقش شهید شهریار از تهیه‌کننده و کارگردان خواستم با همسر شهید صحبت کنم که خوشبختانه این اتفاق افتاد و ما قبل از کار با خانواده شهید، دوستان نزدیک به او، همکاران سازمان انرژی هسته‌ای و ... صحبت کردیم و بعد وارد فضای کار شدیم. حتی با گریم و لباسی که پوشیده بودم خدمت خانم دکتر قاسمی رفتیم که همانجا خانم دکتر تاکید کرد که هرگز لباسی از دکتر شهریار ی را به کسی ندادند، اما گفتند می‌توانند آپشن او را به من بدهند تا هنگام بازی از آن استفاده کنم اما برایم کوچک بود. در مجموع همه اتفاقات دست به دست هم داد و این مسیر برایم هموار شد.

❖ **شما در بیشتر صحنه‌ها که نقش دکتر شهریار ی را بازی می‌کنید، سرتان پایین است. آیا این ویژگی رفتاری در نقش برگرفته از مصاحبه‌هایی بود که از خود دکتر دیده بودید یا در خللا صحبت با کارگردان به این نتیجه رسیدید؟**

❖ **خداشناس:** به‌هر حال تعامل میان کارگردان و بازیگر به نتیجه کار کمک می‌کند و همان طور که تاکید کردم قبل از شروع کار گپ و گفت‌های زیادی داشتیم تا خودم را به شخصیت دکتر شهریار ی نزدیک کنم. ایشان به‌شدت ماخو به حیا بودند و بسیار آرام. خانم دکتر قاسمی هم در صحبت‌هایشان می‌گفتند گاهی صدای دکتر به حدی آرام بوده که او می‌گفتند که صدایشان را نشنیدند. من به سهم خودم سعی کردم نقش را همانی بازی کنم که کارگردان از من می‌خواهد.



امیرحسین حسینی

❖ **معمولا وقتی آثاری درباره شهیدی ساخته می‌شود، هنگام پخش با انتقادهایی از طرف خانواده شهید روبه‌رو می‌شویم، اما این اتفاق برای سریال صبح آخرین روز نیفتاد. فکر می‌کنید دلیل این ماجرا چیست؟**

❖ **علمی فرد:** به یاد دارم در مراسمی در زنجان شرکت کردم که پایان مراسم خانم میانسالی کنارم آمد و درحالی که گریه می‌کرد، گفت هر لحظه از سریال صبح آخرین روز را با دقت می‌بیند و بعد ادامه داد در دو مقطع همسایه شهید شهریار ی شد. یک‌بار به واسطه واقعبت زندگی و یک‌بار به واسطه سریال صبح آخرین روز. واقعا بازخوردها از سوی خانواده، دوستان، اقوام و همکاران شهید خیلی خوب بود. به‌هر حال وقتی اثری درباره شهید ساخته می‌شود، باید بدانیم چطور تعامل صورت بگیرد. با احترام به همه خانواده شهدای معظم باید تاکید کنم که مادر، برادر و همسر شهید بسیار انسان‌های روشنفکر و همراه بودند. ما هم به سهم خودمان سعی کردیم هر بخش از کار که برای خانواده شهید حساس است یا عرق دارد، حتما توجه کنیم. حتی به بخش‌هایی که بار دراماتیک نه داشت اما در سریال نشان دادیم تا موردی مغفول نماند. چند روزی که ما در دانشگاه شهید بهشتی کار داشتیم، خانم دکتر قاسمی که عضو هیات علمی این دانشگاه هستند سر صحنه آمدند و نکاتی درباره روحیات شهید گوشزد کردند که ما در کار اجرا کردیم. درمجموع سعی کردیم به واقعیات وفادار بمانیم؛ چون معتقد بودیم اگر خانواده محترم شهید دل چرکن شود، قطعاً کار ما نقص خواهد داشت. خدا را شاکریم که هم خانواده، دوستان و همکاران شهید راضی هستند و هم مردم. حتی ما مخاطب خارج از کشور هم داریم که نشان می‌دهد سریال دیده شده است.

❖ **خداشناس:** چون بیکار هستیم، تکرارهایش را هم می‌بینیم! (با خنده) گروهی با انگیزه داشتیم که تمام تلاششان را کردند. آقای تبریزی و علمی فرد سراغ فیلمبرداری رفتند که اولین کارش به عنوان مدیر فیلمبرداری بود. این یک قدم نوگرایانه است. اعتماد به یک جوان که کارش را بلد است و خودش را نشان داده، اما مجال بروز بیشتری نداشته واقعا اتفاق خوبی است. فکر می‌کنم متولد ۷۰ یا ۷۲ باشد. این آدم قطعا نگاه امروزی‌تری به کار می‌بخشد و پر از خلاقیت است. آقای تبریزی هم با او همراه می‌شد و به پیشنهادهایش گوش می‌کرد. کار ما با کیفیت سینمایی ساخته شده است. عمده سریال‌های تلویزیونی که دارد پخش می‌شود کالر نشده است و رنگ‌های آن ویدئویی است. در «صبح آخرین روز» توانسته‌ها متفاوت است. فلاش بک‌ها یک تم دارد، فضای اطلاعاتی یک تم دارد و ... اینها نشان می‌دهد تیم سریال می‌خواسته کار به روز و متفاوتی انجام دهد و تا حد زیادی موفق بوده است. البته هر چقدر پول بدهی، آش می‌خوری. باتوجه به بودجه‌ای که سریال داشت، خیلی خوب عمل کرد. کار خام دستانه نداشته است و پلان‌ها سراسری نیست. اینها به من حس خوبی می‌دهد. شاید وقتی کار را می‌بینم دلم بخواهد جاهایی از آن ریتم بهتری داشته باشد، ولی بعد که فکر می‌کنم می‌بینم زندگی ایشان قصه عجیب و غریبی نداشته است و ما گاهی مجبوریم بچه قصه‌های نه چندان دراماتیک را در کار بگنجانیم. مثلا نشان دهیم زرشک پلو با مرغ، زرشک ندارد. این جزو خاطرات خانم قاسمی بود که وقتی آقای صالحی، رئیس انرژی اتمی اولین بار به خانه‌مان آمدند،

نصف غذایی که روی میز گذاشتم را یادم رفته بود بیارم. **عطایی:** من واقعا انتخابی بهتر از کاوه جان برای این نقش سراغ ندارم. به عنوان بازیگر می‌دانم از این به بعد سختی‌های بیشتری را برای انتخاب نقش خواهد کشید. همان‌طور که جناب لطیفی اشاره کردند، بازیگران چنین نقش‌هایی باید بعد از آن مراعات کنند. من هم بعد از مختارنامه و کارهای استراتژیک دچار شدم. به این سادگی نمی‌توان هر نقش و هر جایی را بازی کرد. خیلی دوست دارم مدیران ما این را در نظر بگیرند که دیگر یکسری پیشنهادها سمت بازیگران چنین نقش‌هایی نمی‌آید و باید بعدها حمایت‌های **خداشناس:** به نظرم حمید هم تفاوت زیادی به نقش داده و از این شخصیت یک نیروی امنیتی متمایز ساخته است.



تبدیل به سه کارگردان می‌شدم. بخشی تکنیکال و به روز که مربوط به صحنه‌های امنیت بود. مقطع دیگر متعلق به سال ۷۰ بود که آن موقع قاب‌بندی‌ها خیلی استوارتر بود. بخش دیگر هم تاریخی بود که فضای دیگری داشت. این تفاوت فضا را سعی کردیم در گریم هم لحاظ کنیم. در مانیتور که می‌بینم، تغییر گریم کاوه را در طی گذر زمان در قصه احساس می‌کنم.

❖ **شاید به دلیل این است که ما این تصویر را با عکس‌های منتشر شده از شهید شهریار ی مقایسه می‌کنیم.**

❖ **علمی فرد:** شاید برای این است که شهید اواخر دوران حیاتشان غیر از لاغر تر بودن، موهایشان هم سفید بود. ما حدود چهار پنج ماه مقطعی را تصویربرداری کردیم که شخصیت ایشان حضور داشتند. آقای خداشناس نمی‌توانست در این زمان محدود، آفتد وزن کم کند. ضمن این‌که اصلا در روند کار امکان نداشت، چون ما مقاطع مختلف سنی را تصویربرداری می‌کردیم و این‌گونه نبود که اول جوانی باشد و بعد ما برای ایشان موهای جوگندی را در صحنه‌های پیش از شهادت قرار دادیم، ولی چون به لحاظ وزنی آنقدر لاغر نبود، شاید برای همین خیلی به چشم‌تان نیامده است و به نظر تان با عکس تطابق ندارد. البته نمی‌خواستیم عینا شبیه‌سازی کنیم.